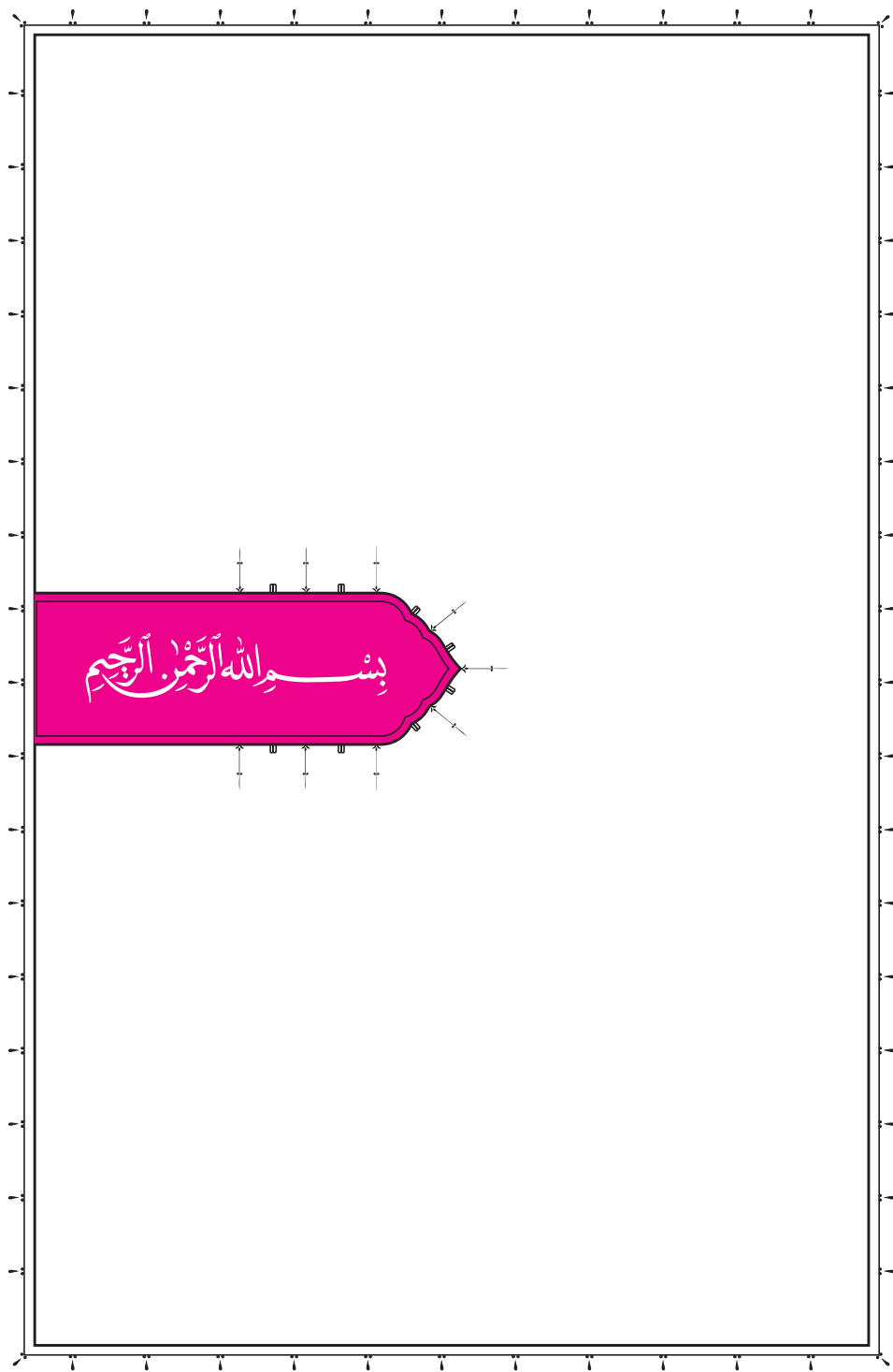
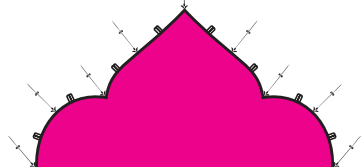




خِصَائِصُ الْحُسَيْنِيَّةِ

شیخ جعفر شوشوتری





الخصائص الحسينية

تأليف: جعفر شوشتری

ناشر: آرام دل

ترجمه و ویرایش: ناجحه سعیدی

مدیر تولید: قاسم باقری

صفحه آرا: مهدی نحوی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: شمیم

صحافی: نوین

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۹-۴۲۸-۲



مرکز پخش

تهران: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان

شهدای ژاندارمری، پاساژ کوثر، پلاک ۷

| تلفن: ۹-۶۶۹۷۱۶۹۷-۰۲۱ |

| سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۷۷۷ |

| www.Aramedel.ir |

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱- زندگی نامه مؤلف	
۲- مقدمه مؤلف	
- حالت اول - در ایمان	
- حالت دوم - در اسباب و وسایل تقرب به خدا	
- حالت سوم - دخول در امت محمد (ص)	
- حالت چهارم - در وسائل و اسباب توسل به ائمه (ع)	
- یافتن نشانه‌های ایمان	
- گریه برای امام حسین (ع) از نشانه‌های ایمان	
- حالت پنجم - در علامت یکی از اجزاء ایمان	
- حالت ششم - عوامل و انگیزه‌های تکمیل ایمان	
- حالت هفتم - در اعمال نیک و ترس از نابودی آن	
- حالت هشتم - در اعمال شایسته	
- حالت نهم - توجه به حقوق مردم	
- حالت دهم - در فضیلت گریه	
- حالت یازدهم - ترس از قبول نشدن اعمال	
- حالت دوازدهم - حالت امید و اطمینان قلبی	
۳- مقدمه مترجم	
- مطالب کتاب در یک مقدمه و ۱۱ عنوان	

۴- عنوان اول - ویژگیها و خصوصیات آن حضرت از آغاز تا فرجام آفرینش

- ابتدای آفرینش نور آن حضرت
- ویژگیهای نور وجود امام حسین (ع) از زمان خلقت دنیا تا ولادت آن حضرت
- ویژگیهای آن حضرت پس از ولادت
- ویژگیهای آن حضرت پس از شهادت
- ویژگیهای مقام ایشان در عالم برزخ
- ویژگیهای مقام ایشان در محشر
- ویژگیهای مقام ایشان در بهشت

۵- عنوان دوم - صفات و ارزشهای اخلاقی و عبادی امام حسین (ع)

- الگوی آزادگی و ظلم ستیزی
- اسوه شجاعت و شهامت
- مظهر عبادت و بندگی
- نمونه‌ای بارز در رعایت کردن حقوق مردم
- رسیدگی به وضع بینوایان
- زدودن غم و اندوه از دلها
- انفاق در آشکار و نهان
- تلاش بی نظیر در جهت رهایی بخشیدن مردم از عذاب الهی
- شدت تقوی و خدا ترسی
- ستایش امام حسین (ع) در قرآن و سنت
- امام حسین (ع) مورد ستایش همگان
- مایه شادی و اندوه دلها

۶- عنوان سوم - صفات اخلاقی و عبادی امام حسین (ع) در روز عاشورا

- عبادت بدنی واجب
- تدفین پیکر شهیدان
- زکات و صدقات

- حج
- جهاد
- امر به معروف و نهی از منکر
- عبادات مستحب
- سیر کردن گرسنگان
- ملاطفت و محبت به فرزندان
- فریادرسی و دادخواهی
- شادمان ساختن اهل ایمان و دیدار با آنها
- عیادت مریض
- تلاوت قرآن و نیایش
- عبادات قلبی و فضایل اخلاقی
- یقین
- مقام رضا و خشنودی
- سخاوت
- شجاعت
- وقار و آرامش
- قلب مهربان و دلسوز
- بردباری
- اخلاق نیک
- جوانمردی
- غیرتمندی و عزت نفس
- قناعت
- صبر و شکیبائی
- ویژگیهای شگفت انگیز
- مسئولیت ظاهری

۷- عنوان چهارم - الطاف و عنایات خاص الهی برای حضرت امام حسین (ع).

- جلوه‌های ویژه‌ای از الطاف الهی
- خصوصیات آن حضرت که نمونه‌ای از صفات حق تعالی بوده است.
- مواهب اختصاصی آن حضرت در کلام الهی
- نشانه‌هایی از والاترین پیامبران
- مقایسه امام حسین (ع) با زمان، آسمان، زمین، هوا و فضا، آبها، درختان، نهرها، دریاها، انسانها، جنیان، پرندگان و حیوانات اهلی و وحشی، کوهها و ارزشهای ظاهری این جهان.

۸- عنوان پنجم - جلوه‌های بارز الطاف خاص الهی نسبت به آن حضرت

- امام حسین (ع) مظهر لطف الهی
- مقدمه اول - هدف از آفرینش انسان
- مقدمه دوم - انسان گرفتار امواج حوادث و گناهان
- پیام‌های عبادی
- پیام تقوا
- پیام انفاق
- پیام جهاد
- انتخاب بهترین عمل
- قرض الحسنه
- زندگی حقیقی
- در اندیشه آخرت
- سبقت گرفتن در کارهای خیر و مغفرت الهی
- پیام نیایش
- پذیرش دعوت الهی
- وسایل تقرب به خدا.
- انتخاب بهترین راه و راهنما.

- توسل به امام حسین (ع) برتر از تمام نیکی هاست
- ۹- عنوان ششم - خصوصیات و آثار متعلق به خشوع دل، ذکر و رقت قلبی و گریه برای ایشان.....**
- خشوع قلبی هنگام یاد آوری نام مبارکش
- بخش اول: منشاء درونی گریستن و سبب ایجاد آن.....
- بخش دوم: انگیزه‌های بیرونی برای گریستن
- بخش سوم: در چگونگی گریستن و سوگواری برای آن حضرت.....
- بخش چهارم: مجاس ذکر مصائب آن حضرت
- ۱- مجالسی که پیش از خلقت آدم (ع) بر پا شده است
- ۲- مجالس پیش از ولادت آن حضرت
- ۳- مجالس پس از ولادت و قبل از شهادت آن حضرت.....
- ۴- مجالس پس از شهادت آن حضرت در دنیا
- ۵- مجالس سوگواری آن حضرت در قیامت.....
- بخش پنجم: سوگنامه‌ها و کتابهای بجا مانده در رثای آن حضرت
- بخش ششم: ویژگیهای مجالس عزاداری.....
- بخش هفتم: خواص و آثار گریه بر امام حسین (ع)
- بخش هشتم: فضیلت گریستن و آثار آن
- بخش هشتم: فضیلت گریستن و آثار آن
- بخش نهم: اجر و پاداش گریستن بر امام حسین (ع)
- بخش دهم: ویژگیهای چشم گریان
- بخش یازدهم: خواص و آثار اشک‌های جاری ده بر امام حسین (ع)
- ۱۰- عنوان هفتم - ویژگیهای زیارت آن حضرت**
- بخش اول: فضیلت‌های ویژه
- بخش دوم: پاداش زوال ناپذیر
- بخش سوم: مواهب و پاداش زیارت آن حضرت

- بخش چهارم: پاداشی شگفت و صفتی ممتاز
- بخش پنجم: احکام ویژه زیارت
- بخش ششم: آداب و مقررات زیارت
- بخش هفتم: آثار زیانبار ترک زیارت
- بخش هشتم: اوقات زیارت
- بخش نهم: نایب فرستادن برای زیارت
- بخش دهم: خطاب‌های ویژه در زیارت آن حضرت
- استغاثه آن حضرت: استغاثه اول
- استغاثه دوم
- استغاثه سوم
- استغاثه چهارم
- استغاثه پنجم
- استغاثه ششم
- استغاثه هفتم
- پاسخ استغاثه‌ها
- در حال احتضار
- هنگام خروج از قبر
- در پهنه قیامت
- در محاصره اعمال
- روز جدایی خویان از بدکاران
- به سوی بهشت یا دوزخ
- در میان شراره‌های دوزخ
- ۱۱- عنوان هشتم - ویژگیهای زائران امام حسین (ع)
- اول: ویژگیهای زائران امام حسین (ع) قبل از شهادت آن حضرت
- دوم: زائران آن حضرت پس از شهادت

- سوم: زائران پس از دفن بدن مطهر.....
- تخریب مرقد مطهر امام حسین (ع) به دستور متوکل عباسی
- ۱۲- عنوان نهم - خصوصیات امام حسین (ع) در قرآن مجید**
- بخش اول: قرآن ناطق
- بخش دوم: همانندی امام حسین (ع) با قرآن.....
- مراحل چهارده گانه در زندگی امام حسین (ع).....
- منازل چهارده گانه در نهضت امام حسین (ع)
- بخش سوم: آیات نازل شده در رثای آن حضرت
- بخش چهارم: ویژگیهای سوره حمد و امام حسین (ع)
- بخش پنجم: برداشتی از آیات قرآن
- بخش ششم: نشانه های امام حسین (ع) در قرآن مجید.....
- ۱۳- عنوان دهم - امام حسین (ع) و بیت الله الحرام**
- بخش اول: کعبه حقیقی
- بخش دوم: بزرگداشت خانه خدا و پاداش پرشکوه آن
- بخش سوم: معادل بودن حج و عمره بازيارت امام حسین (ع).....
- ویژگیهای حج امام حسین (ع) به کربلا
- شرح ماجرای سفر امام حسین (ع) به کربلا.....
- در بیان زائران ویژه حج امام حسین (ع).....
- بخش چهارم: امام حسین (ع) و فرشتگان
- شباهت امام حسین (ع) با فرشتگان
- بهره مندی های فرشتگان از امام حسین (ع).....
- ۱۴- عنوان یازدهم - امام حسین (ع) و پیامبران الهی**
- بخش اول: همانندی صفات امام حسین (ع) با پیامبران الهی.....
- بخش دوم: پیامبران و زیارت امام حسین (ع)
- بخش سوم: بهره مندی امام حسین (ع) از فضایل و رسالت انبیاء

- شباهت امام حسین (ع) با حضرت آدم(ع).....
- شباهت ادریس پیامبر و امام حسین(ع).....
- شباهت نوح پیامبر و امام حسین (ع).....
- شباهت حضرت ابراهیم و امام حسین (ع).....
- شباهت یوسف پیامبر و امام حسین (ع).....
- شباهت جناب صالح و امام حسین (ع).....
- شباهت جناب هود و امام حسین (ع).....
- شباهت جناب شعیب و امام حسین (ع).....
- شباهت جناب ایوب و امام حسین (ع).....
- شباهت جناب یحیی و امام حسین (ع).....
- شباهت جناب موسی و امام حسین (ع).....
- شباهت جناب اسماعیل و امام حسین (ع).....
- شباهت جناب داود و امام حسین (ع).....
- شباهت جناب عیسی و امام حسین (ع).....
- بخش چهارم: بهره مندی پیامبران از امام حسین (ع).....
- شباهت امام حسین (ع) با برترین پیامبران الهی.....
- فهرست منابع

زندگینامه مؤلف کتاب

شیخ جعفر فرزند مولی حسین شوشتری مشهور از خاندان بنی نجار است. آیت الله العظمی شیخ جعفر شوشتری «اعلی الله مقامه الشریف» از بزرگان علماء و فقها جلیل القدر و از جمله دانشمندان مشاهیر زمان خود بود، بگونه‌ای که توانسته بود علوم مختلف معقول و منقول را جمع آوری نماید و در این راه به دانش گسترده‌ای دست یافت. آنچه او را در این راه یاری می‌کرد موهبت کمیاب اندیشه عمیق و نافذ، ذهنی نقاد و تحلیل‌گر، حافظه‌ای عجیب و توانایی در سخنوری و اندیشه بود.

در خانه علم و تقوا و زهد رشد و نمو کرد. پدر ایشان ملقب به واعظ (ت ۱۲۴۵ هـ) فقیهی اندیشمند و وارسته بود و همین صفات ارزشمند و فضایل اخلاقی و معنوی به فرزندشان منتقل شد.

جناب شیخ جعفر شوشتری نابغه عصر و زمان خویش بود. ایشان علاوه بر تبحرشان در فقه و اجتهاد، به وعظ و خطابه مشهور بودند. هزاران نفر برای شنیدن سخنان پندآموز و دلنشین ایشان که نشان از دوستی شدید به اهل بیت (علیهم السلام) داشته دور منبر او گرد می‌آمدند. کلامشان بیانگر عواطف شدید و صادقانه از این محبت بود، لذا بر دلها تأثیر شگرفی می‌گذاشت و شور و شعف فراوانی بوجود می‌آورد. قلوب را دچار حزن و اندوه می‌ساخت و اشک‌ها را از دیدگان سرازیر می‌کرد.

مجالس درس ایشان مدرسه‌ای برای فراگیری فضایل و سجایای اخلاقی و پایگاهی برای دانش‌اندوزی و پناهگاهی برای اندیشمندان و مکان دیدار علماء و فرزندان بود. اولین ارتباط ایشان با علماء در شهر کازمین محل اقامت پدرشان شروع شد. در نزد جناب شیخ عبدالنبی الکاظمی علوم معانی و بیان و بسیاری از علوم عربی را آموخت. درس شرح مختصر عضدی را نزد شیخ اسماعیل کاظمی و درس اصول را در شهر کربلاء در نزد علمای بزرگواری همچون صاحب فصول و صاحب ضوابط یاد گرفت.

بعد از مدتی به شهر نجف و پای درس شیخ حسن صاحب انوار الفقهه، و شیخ محمد حسن صاحب جوار و شیخ انصاری حاضر می شد و چندین سال از دانش و علم و فضیلت آن بزرگواران بهره های فراوانی اندوخت تا جائیکه خود، صاحب تألیفات ارزشمندی گردید از قبیل:

۱. منهج الرشاد یا مجمع الرسائل و آن عبارت از رساله عملیه ای است که در سال ۱۲۸۸ هجری با مقدمه ای در مسائل اصول دین به چاپ رسید.^۱
 ۲. فوائد المشاهد در مواعظ و اندرز، بدست شاگردش محمد بن علی شریف طالقانی جمع آوری و چاپ شده است.
 ۳. رساله ای در اصول دین که به فارسی و به عنوان اینکه اصول دین و معرفت به اصول اعتقادات، از مقدمات نماز می باشد به چاپ رسیده است.
 ۴. مجالس البكاء شامل پانزده مجلس است.
 ۵. مجالس المواعظ عبارت از چهارده مجلس است.
 ۶. مبادی الاصول.
 ۷. رساله ای در واجبات نماز.
 ۸. خصائص الحسین که چند بار تجدید چاپ، تصحیح و تنظیم شده است.
- مؤلف در ابتدای کتاب مطالب آنرا براساس سی عنوان ذکر می کند. اما عناوین موجود بیش از یازده عنوان نیست و مشخص نشده که آیا سایر عناوین از قلم شریف ایشان به رشته تحریر در آمده یا خیر.

کتاب خصائص حسینی روزه ای را فراروی دلهای مؤمن قرار می دهد و منبری روحانی که منعکس کننده روحیه والای پرهیزکاری و خشوع و محبتی است که از خورشید در هنگام بالا آمدنش از مطلع پیشی می گیرد و چنان شتابان پیش می رود تا از حرکت ماه در رسیدن به منازلش سبقت بگیرد. از جهت تاریخی نیز روشنگر شدیدترین و دردناکترین فجایعی است که در تاریخ بشریت بوقوع پیوسته و دلهای پاک و بیدار را به لرزه در آورده

۱- این رساله در سالهای اخیر با حاشیه آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی (ره) تجدید چاپ گردید.

است. مصیبت‌هایی که زخمهای عمیقی در قلوب شیعیان بجا گذاشته و آثار ننگین بر پیشانی انسانیت وارد ساخته است و بدین سان بیانگر اوج وحشت از آن جنایت جانگداز و پلیدی آن حادثه تا روز قیامت می‌باشد.

جناب شیخ جعفر از پیشگامان کسانی است که در مورد واقعه طف بصورت عمیق و گسترده‌ای سخن به میان آورده است و به بررسی و تحلیل و پیوند وقایعی پرداخته که تاریخ نگاران کمتر به آن توجه کرده‌اند و آنها را به گونه‌ای بیان می‌کند تا غم و اندوه و ترس را از قلوب جانهای دلسوخته باز ستاند.

پس او را می‌بینیم که گاه وحشت و سرآسیبگی فرشتگان را به تصویر می‌کشد که شتابان از بالاترین طبقات آسمانها به خیمه‌های کربلا هبوط می‌کنند در حالیکه شعله‌های جنگ زبانه می‌کشد و صدای تیراندازی‌ها و شمشیر زدن‌ها همه جا را فرا گرفته است. از آن طرف نگاهها را متوجه فرزند رسول خدا ﷺ می‌کند که در حلقه ستمکاران گرفتار شده و ددمنشان بر سر او هجوم آورده‌اند و او فریاد «هل من ناصر» را سر می‌دهد.

بار دیگر او را می‌بینیم که جهاد امام حسین ﷺ را مقارن با حج خانه خدا قرار داده و پناه بردن حضرتش به سرزمین کربلا را کنایه از تلبیه حج و به همراه بردن خانواده و همه عزیزان و یاران و نفس شریفشان را قربانی در راه خدا قرار می‌دهد.

بخش دیگر از این کتاب که در جای خود کم نظیر است، مقارنت و همانندی امام حسین ﷺ با قرآن کریم است. ایشان از حیث فضایل و آثار حرکت بمانند قرآن کریم جاودانه و بی همتاست.

در پایان به فصول کتاب می‌پردازیم که دارای فصل‌های مهمی بوده و خواننده را به سه بخش از آنها ارجاع می‌دهیم:

بخش اول - در بیان مجالس ذکر مصیبت برای آن حضرت است که قبل از تولد، زمان حیات و بعد از شهادت منعقد شده است.

بخش دوم - فضیلت زیارت آن حضرت و آثار آن برای زائرانش.

بخش سوم - مقارنت و همانندی خصوصیات آن حضرت با خصوصیات انبیاء الهی.

وفات مؤلف

مرحوم آیت الله شوشتری در شب اربعین (۲۸ صفر سال ۱۳۰۳ ه‍.ق) در بازگشت از زیارت مرقد امام رضا (ع) و در راه عراق هنگامی که از شهر کرند غرب از توابع کرمانشاه می‌گذشت وفات یافت و روح بلند آوازه و ملکوتی اش به جوار رحمت حق پرکشید. وقوع چنین حادثه‌ای موجب سقوط ستارگان منتشر شده علم و فضیلت گردید و ماده‌ی تاریخ وفات آن بزرگوار «کواکب قد نشت» حادثه‌ی شب فوتش می‌باشد. زیرا از کراماتی که در شب وفاتش دیده شد، تناثر و انتشار ستارگان از اول شب تا صبح و حرکت چشمگیر آنها از این طرف آسمان به آن طرف بود.^۱

پیکر شریف ایشان به نجف اشرف منتقل و در حجره‌ی اول سمت راست در مقبره‌ی دالان شمالی صحن شریف سرور و سالارش، نخستین امام نور مدفون گردید. خداوند او را مورد رحمت و رضوان خود قرار دهد و با محمد و آل مطهرش محشور گرداند.

ترجمه این کتاب

کتابی که در دست خوانندگان است در ابتدا نسخه‌های خطی و چاپی بدست آمده‌ی آن دارای پیچیدگی‌ها و مشکلات و اغلاط چاپی بود. از این رو به منظور برگردان صحیح آن بصورت رسا، متن‌ها را براساس قواعد املائی و لغوی معروف تنظیم کردیم و سبک عبارات را به گونه‌ای برگردانیم تا هدف و مراد مؤلف محترم را برآورده سازیم.

سپس به اخراج آیات قرآنی از متن پرداختیم و احاث معصومین (ع) و روایات تاریخی را به مشهورترین مصادر مورد وثوق و اطمینان ارجاع دادیم، و بعضی از الفاظ و کلمات پیچیده در کتاب را توضیح دادیم و سرانجام کتاب را بوسیله فهرست منابع تحقیق به پایان رساندیم.

«والحمد لله رب العالمین»

۱- باید اعتراف نمود که آن بزرگوار یکی از آیات باهرات در عصر خود بود و برای همین مطلب سیدجعفر حلی در رثای او می‌سرود:

و نَکَثَرِی نَظراً بِأَفَاقِ الْعُلَى	و نَقَدَ تَغِیْبُ فِی الْاَثَرِابِ هَلْأُهَا
أَوْ مَا رَأَيْتُ الشُّهْبَ کَیْفَ تَنَاقَرَتْ	وَالْأَرْضُ أَفْرَعُ أَهْلِهَا زَلْزَالُهَا

مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله والسلام على عباده الذين اصطفى، ولا سيّما محمّد المصطفى و
اهل بيته اعلام الهدى، صلواته عليهم ما دامت السماوات العلّی.
حمد و ثنا مخصوص خداست و درود بی پایان بر بندگان که آنان را برگزیدند، خصوصاً
رسول اکرم محمد مصطفی ﷺ و خاندان پاک او که پرچم‌های هدایتند. درود و سلام خداوند
بر آنان مادامیکه آسمانهای بلند مرتبه برقرارند.

اما بعد: این بنده ناچیز جعفر شوشتری فرزند حسین چنین می‌گوید: هنگامیکه موهای
سرو صورت با فرا رسیدن پیری، سپید و شعله‌ور شد و سراسر وجودم از رنج و فرسودگی
لبریز شد، در خود نگریستم که شتابان به مرز شصت سالگی رسیده‌ام. اما از آن دوران
گرانبهای حیات نه ثمری چیده و نه در برابر عمر برباد رفته، حاصلی به دست آورده و برای
خود درجات والایی فراهم ساخته، دریافتم که باقیمانده عمرم نیز بر همان شیوه
گذشته‌اش خواهد گذشت.

سپس به نفس گناهکار غافل و حمد ستانش خطاب نمودم که وای بر تو ای نفس
سرکش! تا کی غفلت؟ بهار جوانی سپری شد و فصل خزان پیری را مانند آن بهار از دست
نده، زمان بهره‌برداری و برداشت از مزرعه پر بار زندگی از دست رفته، پس بیا و این چند
روز باقیمانده عمر را دریاب تا خرم‌نهای باقیمانده را به غفلت تلف ننمائی پس قدر این
متاع جزئی را بدان تا شاید غروبی شایسته داشته باشی.

تو در گذشته عمر، در این تجارت خانه دنیا، سرمایه اصلی و نقد خویشتن را ضایع

نمودی، پس اینک اندک جنس بجامانده را با غفلت و خیره سری تباه مکن. سپس به ناچار با صدای بلند او را ندا دادم که: های ای مسافر بی زاد و توشه، ای کوچ کننده بدون مرکب، ای زراعت گر هنگامه درو، ای پرنده ای که به تیر مرگ شکار خواهد شد، ای تاجر و ای دستفروش کلای بی ارزش، ای ستمکار به خود و بندگان خدا، آیا پیام خدای تعالی را نشنیدی که فرمود:

إِنَّ رَبَّكَ لَبَا المُرْضَادِ^۱

«به راستی که پروردگارت در کمینگاه ستمکاران است.»

پس این نفس سرکش را هشدار دادم و بانگ بیداری و هوشیاری برای او زمزمه کردم که از خواب سنگین و مرگبار غفلت بیدار شو، در آستانه گردنه ای سخت و صعب العبوری قرار داری و باید با پای برهنه و پیاده از آن بگذری و مرکبی در کار نیست. باز هم این نفس را پرهیز دادم و با هشدارهای بیایی او را دچار بیم و هراس ساخته که بداند منزلگاه های هراس انگیز مرگ نزدیک است و دست تهی از زاد و توشه، و راه بسی پرخطر در پیش است.

آنگاه با فریادهای تکان دهنده بشتاب! بشتاب و بانگ رعد آسای سریع تر! سریع تر! این نفس غفلت زده را برانگیختم که تاکی خود را به کوری و کوری می زنی؟ به راستی که پیش روی تو، روزی سهمگین خواهد بود که اگر خورشید فروزان بدان تهدید گردد، تیره و تار خواهد شد.

پس از خواب سنگین غفلت و بیهودگی برخیز و از دیدگانت آرزوهای دور و دراز دور ساز!

سپس با استفاده از فرمایش پیشوای متقیان که برترین صلوات و درودهای نمازگزاران بر او باد، بر سر او فریاد سهمگینی زدم که فرمود: «ای پیر سالخورده و محاسن سفید، چگونه خواهی بود هنگامی که طوق های آتش بر گردن پیچیده و غل و زنجیرها به

دست و بازوها افکنده شوند تا جائیکه گوشت و پوست بازوان سائیده و خورده شوند.^۱

پس بر این نفس غفلت زده گریان و نالان شدم و به هر زبان ممکن بر او نوحه سرایی کردم و گاه بر دوران از دست رفته جوانی ام می‌گریستم و زمانی بر روزگار پیری و باگریه بر او این شعر را زمزمه کردم:

در معاصی شده همه عمرت تباه قناعت خم گشت از بار گناه
موی تو در روسیاهی شد سفید یعنی از راه قاصد مرگت رسید
سپس او را مورد ترحم و شفقت قرار دادم و گفتم: آیا همانگونه که به دیگران ترحم می‌کنی به خودت رحم نمی‌کنی؟ پس به خودت رحم کن و به فریاد خود برس، در این نفس آخر توشه‌ای بردار و برای کوچ آخرت خود را مجهز ساز و ذخیره‌ای بردار و پیش از آنکه اجل به سر آید و مرگت فرا رسد، فرصت را غنیمت شمار و پیش از فرا رسیدن آن و کفر دردناک خداوند توانا و قهار، از این مهلت بهره‌ای مناسب فراهم نما.
سپس نفس خود را با هر کتاب از کتاب‌های آسمانی و با زبان هر پیامبر و امامی مخاطب ساختم و با هر زبان و بیانی، حتی به زبان کودکان و حیوانات، بلکه به زبان تمامی موجودات و پدیده‌های آفرینش او را پند و اندرز دادم.
بعد از آن گویا با هوشیاری ناچیز و بیداری اندک و تصمیمی نه چندان محکم و جدی که در خود یافتم، حالات گوناگون خوف و رجاء و امید و یأس را بر سراسر وجودم وارد ساختم تا سرانجام حالت آرامش و اطمینانی با چنین تفصیلی فراهم آمد.

حالت اول: در ایمان

نخست به ایمان که ملاک پذیرفته شدن اعمال و معیار نجات از هول و هراس قیامت است، نگریستم اما در اعماق وجودم نه نشانی از نشانه‌های ایمان را در خود یافتم و نه اثری از آثارش، نه اثری از ایمان کامل و نه از ناقصش، نه کمترین درجه آنرا یافتم که آدمی از

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۸۳ و فیض الاسلام ص ۶۰۷.

کردار زشت و گناهانش بد حال می شود و نه بالاترین درجات آن که چنان جذبۀ ذکر خدا وجودش را به لرزه و می دارد گویی در حال جان کندن است. هر چه اندیشیدم نه جزئی از اقسام ایمان قلبی در خود یافتم و نه ایمان عملی، تا جائیکه بر نبودن ذره ای از ایمانی که نجات دهنده از آتش جاودانۀ دوزخ و عذاب دائمی آن باشد بر خود ترسیدم.

آنگاه در جستجوی ارزش های اخلاقی و رفتارهای پسندیده خویش رفتم، اما به جای آنها ضد آن اخلاق را در خود یافتم. سپس به اعمال حسنه و آنچه که مورد تقرب ذات حق تعالی می شود، اندیشیدم، اما برای صحت و قبولی آنها شرایطی را یافتم که یکبار هم توفیق دست یافتن بدان شرایط در هنگام عمل، در خود نیافتم.

اینجا بود که وحشت سراپای وجودم را فرا گرفت و چیزی نمانده بود که نومیدی کامل بر من چیره شود که جرّۀ دیگری پدید آمد.

حالت دوم: در اسباب و وسایل تقرب به خدا

با دقت بسیار به وسایل تقرب به ذات حق تعالی اندیشیدم و دیدم که من فردی از ائمت پیامبر (ع) و از شیعیان امیر مؤمنان (ع) و از دوستان و شیفتگان خاندان رسالت (ع) هستم و آنان همگی شاهراه هدایتند و صراط مستقیم و استوار به سوی حق تعالی، پناهگاه محکم و دژ استوار و کشتی نجات هستند که هر کس در آن جای گیرد، رهایی خواهد یافت. اینجا بود که رفته رفته امید به فضل و رحمت خدا و امید به نجات در وجودم تحقق پیدا کرد.

حالت سوم: دخول در ائمت محمد (ع)

در مرحله سوم دیدم وارد شدن در زمرۀ ائمت محمد (ع) در گرو اقتدا و پیروی از ایشان است، اما من در کجا به او اقتدا نموده ام؟ و نیز دیدم مصداق شیعه علی (ع) بودن نیازمند پیروی از ایشان در صفات و اعمال و کردار است. اما من با چه وسیله ای از ایشان متابعت و همراهی نموده ام، و مصداق مشخص محبّ و دوستدار اهل بیت (ع) محتاج تحقق یکی از علائم آن محبت و ولایت است که من یکی از آن نشانه ها را چنانکه بایسته است ندارم. در اینجا بود که دلهره و اضطراب، سراپای وجودم را فرا گرفت و ترس و وحشت بر من غالب شد و پس از آن وضعیت دیگری پدید آمد.